

الگوی ایران فردا!

آیا شما به دنبال چنین ایرانی هستید؟

زدست دیده و دل هردو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز فولاد ز نم بر دیده تا دل گردد آزاد

امیرفیض - حقوقدان

بابا طاهر سراینده ابیات بالا این موقعیت فلسفی را بازگویی کرده که هرچه که دردل و فکرما جاری و ساری میگردد از مجرای دیدن است؛ و باز خواسته بگوید انحصار تاثیر دیدن در حدی است که نقل قولها و تعاریف و روایات تحت الشعاع دیدن قرار میگیرد.

اگرما با صحنه ای آرام بخش و سازنده و مرفه روبروشویم دل ما به تصرف و تحقق و سهیم شدن در آن به جوش خروش در میآید و برعکس اگر با صحنه های دلخراش، جدا افکنی، ویرانی روبروشویم بطور طبیعی از آن دوری میکنیم و از تحقق آن نگران و کسانی که مشتاق بوجود آوردن آن وضعیت و یا حمایت از آن ناگواری ها هستند سرزنش مینمائیم.

واما بعد

اصفهان دور است گردش نزدیک است

درباره تفویض اختیارات به استانها و در نهایت انتخاب سیستم فدراتیو برای کشورمان صحبت ها بسیار و درهای خیالی و تصویری متنوعی بازولی بهرحال بارزه هائی که بتواند آنرا تجسم کند تا از راه دیدن بردل نشیند و یا رغبت آنرا از دل بزدايد، در اختیار نبود، ولی اکنون مشاهدات عینی از درون باغ سبزی که داخل آنرا نمیتوانستیم ببینیم و صحبت آن جاری بود به ملاحظه همه ایرانیان رسیده است تا ببینند و درک کنند که برای چه راه فدراتیو کردن کشور یکپارچه ایران را در دستور کار سیاسی قرار داده اند، و با این دیدن و تصور اجرائی آن در کشورما، بسازند خنجری از احساسات وطن پرستی و دل و دیده را از بدفهمی و ساده اندیشی خلاص کنند.

بفرمائید با چشم عقل به بیند - رنگ رخساره نشان میدهد از سر ضمیر

اخیرا دومصاحبه ازسوی مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران و حسن شرفی جانشین دبیرکل حزب با تلویزیون بی بی سی صورت گرفته است که دیدگاههای فکری ما را کاملاً نسبت به فدراتیو کردن کشور باز و مستند میسازد و به مصداق «رنگ و رخساره نشان میدهد از سر ضمیر» **اظهارات آقایان از آنچه که در ضمیر و فکروخواست خودشان درباره کردستان دارند و قابل تشخیص درست نبود کاملاً**

ترسیم میکنند تا برای آنان که خود را به یکپارچگی ایران متعهد میدانند به عواقب تن دادن به فدراتیو و همکاری با تجزیه طلبان بیاندیشند و تجدید نظرکنند.

اعلامات مصطفی هجری

قبل از اینکه اعلامات مصطفی هجری در این تحریر مورد نقد و تحویل دست‌آورد شود موضوعی که در تحقیق اخیر با آن روبرو شدم بجاست که خوانندگان محترم این تحریر شریک با آن آگاهی‌ها بشوند.

داریوش همایون و وصلت سیاسی با کردها



درسندی که ازجانب انجمن حمایت ازحقوق قربانیان خشونت و تروردرکردستان (دیاروندیار) در استیضاح ازهجری درجهت همکاری با رضا پهلوی تنظیم شده آمده است:

> عوامل ساواک حزب دمکرات کردستان ایران، جناح مصطفی هجری را تحت فشارگذاشته که دفتر رضا پهلوی را درحزب دمکرات کردستان ایران ادغام کند تا هم بیشترمورد توجه غرب قرارگیرد و هم اسناد دردست

عوامل ساواک همچنان مخفی بماند در همان گزارش که باذکر محل و حضور اشخاص با نام و نشان تنظیم شده آمده است:

«رضاپهلوی و داریوش همایون دریک نامه محرمانه باحزب دمکرات کردستان مذاکره محرمانه داشته و به توافق رسیده اند»<

توضیح = اظهارات اعلیحضرت درباره همکاری مهتدی و هجری درتنظیم قطعنامه شورای تجزیه طلبان در عبارت (گرچه آنها قطعنامه را امضا نکرده اند ولی همکاری و طرفداری کامل دارند) تائید کننده گزارش انجمن حمایت ازحقوق قربانیان ترور و خشونت درکردستان میباشد، ولی معلوم نبود که رابطه مزبور بین اعلیحضرت و حزب دمکرات تجزیه طلب کردستان ایران بوسیله چه کسی برقرار شده بود و معادله مزبور، درنقطه شناخت واسطه، نامعلوم بود.

با توجه به اینکه اولین موافقت نامه مربوط به خودمختاری کردها بوسیله منوچهرگنجی و تیمرمن که به اعلیحضرت تحمیل شد که بحث آن بارها در تحریرات گذشته آمده است و درنهایت با اعتراض سلطنت طلبان آن موافقت نامه ملغی شد، قدرتی که بدنبال اجرای طرح تجزیه ایران بوده است ساکت و غافل نماند و یک مامورکارکشته دیگرخود را بنام داریوش همایون مامور تکرار همان کار منوچهرگنجی کرد با این تفاوت که نگذاشت، مانند برنامه منوچهرگنجی علنی شود و بنده که در این جریان تحقیق میکردم و سنکر اولین جایگاه اعتراض به موضوع توافق گنجی و اعلیحضرت و تیمرمن با تجزیه کردستان بود و مقاله تحت عنوان موافقت شوم با مرکب قرمز چاپ و منتشر ساخت از نقش داریوش همایون در آلوده ساختن اعلیحضرت به اقدام مزبور آگاه نبودم.

دست‌آورد این آگاهی این است که ایران از همان زمانی که با توطئه بیگانگان سقوط کرد فکر تجزیه ایران برای آمریکا یک طرح اجرائی سیاسی در آمد و تا آنجاکه معلوم است دوباروسیله ایادی آن کشور یعنی منوچهرگنجی و داریوش همایون زمینه سازی بعمل آمد و بعد بصورت رسمی در ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان گنجانیده شد.

واما- اطلاعات هجری

هجری اعلام کرد (از طریق بی بی سی) که پیشمرگ های حزب او در کردستان ایران با نیروهای دولتی وارد جنگ مسلحانه شده اند * - او از این اقدام به مرحله نوین مبارزه یاد کرد- او منظور از مرحله نوین مبارزه را حضور پیشمرگان مسلح حزب در میان مردم دانست* که هدف آنها آگاهی سیاسی دادن و امید به مردم و تشویق آنها برای حقوق ملی خود است* - هجری گفته است که حزب قصد مبارزه مسلحانه را علیه ایران نداشته است ولی چون نیروهای دولتی از رفت و آمد های مسلحانه پیشمرگه های کرد جلوگیری میکنند درگیری نظامی به آنها تحمیل شده است*

حسن شرفی جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران هم در گفتگویی با همان تلویزیون بی بی سی گفت: «ما در نشست با هیئت اقلیم کردستان صراحتاً عنوان نمودیم که ملزم به اجرای هیچ مفادی از هیچ توافقنامه ای که به بین دو طرف مبارزه گروه های اپوزیسیون بویژه اپوزیسیون کرد ایرانی پایان دهند نیستیم»* او اضافه کرد «همانطور که جمهوری اسلامی به حزب الله کمک میکند اسرائیل هم باید بما علیه جمهوری اسرائیل کمک کند» *

الگوی ایران فردا

ایران فردا یعنی ایرانی که بظاهر باشعار با آرمانهای ملی و اراده ای ملی برای منافع ملی به آن چشم دوخته اند؛ از همین الگویی که مصطفی هجری و حسن شرفی آنرا ترسیم کرده اند و هر دوی آنها از پایه گذاران ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان هستند میتوان دید که اکنون به تصاویر کلامی آن به اتفاق نگاه میکنیم.

◀ همانطور که حزب دمکرات کردستان دارای گروهی مسلح بنام پیشمرگه هستند تمام استان های کشور که در طرح ماده ۱۱ دارای قدرت محلی میباشند دارای این قبیل نیروهای محلی خواهند بود.

◀ پیشمرگان کرد و یا لُر و یا بلوچی و یا قشقایی برای حفظ امنیت داخلی و یا کمک به حفظ مرزهای ایران نیست، در سیاق و الگویی که حزب دمکرات کردستان پیشقراول شعار آرمانهای ملی قرارداد، برای مبارزه مسلحانه با دولت مرکزی است. اینکه چرا پیشمرگان با دولت مرکزی وارد جنگ مسلحانه میشوند خود حزب که سرسلسله خودمختاری و تقسیم قدرت در اجرای ماده ۱۱ است اینطور بیان کرده:

<هدف آنان، آگاهی سیاسی دادن به مردم وتشویق آنان به مبارزه برای حقوق ملی است> **یعنی آگاهی سیاسی دادن به مردم مترادف است با مسلح بودن سلاح های جنگی. یعنی تشویق مردم به مبارزه مترادف است با کلاشینکف (آنها که مدام از مقاومت مدنی نام میبرند دوبارین را بخوانند).**

خوانند محترم این تحریرچنین تفسیری تاکنون ازهیچ گروه سیاسی آنها با عنوان دموکراتیک شنیده اید؟

یادتان باشد که همین تجزیه طلبان بودند که میگفتند: <مامیخواهیم به زبان خودمان صحبت کنیم- زبان ما را هم بریده اند> درخواستی که دل هراتسانی را خون میکرد؛ اما جای همه آنها را کلاشینکف گرفته است.

◀ اکنون فکرکنید که الگوی حزب دمکرات که قائمه اجرای ماده ۱۱ قطعنامه شورااست درتمام استان های کشور پیاده شود تا اراده ملی برای منافع ملی محقق گردد؛ در این صورت آیا دشواراست آینده این کشور را ازهم اکنون ترسیم نکرد ودقیقا ایران ایام احمد شاه را بتصور نیاورد که هرمنطقه کشور ویا مالکین بزرگ ویا روحانیون دارای قدرت نظامی بودند ودائم دولت مرکزی ناظر اقدامات ماجراجویانه آنها میشد ودولت مرکزی کاری جزنادیده گرفتن آن خودسری هارنداشت؟

◀ شورای تجزیه طلبان وقتی تشکیل شد بزودی انشعاب شد وگروهی که فاقد امکانات وحمايت بیگانه بودند کنارکشیدند ولی درفعالیت های تجزیه طلبی در استان ها مسئله کنارکشیدن مطرح نیست ومخالفت های شخصی بصورت مخالفت های گروهی ومسلحانه درخواهد آمد؛ زیرا هر گروهی ازسوی کشورهایی مورد حمایت وبهره برداری قرارخواهد گرفت و این کلید مهم را حسن شرفی معاون حزب دمکرات کردستان رسما اعلام کرده است و گفت: <همانطور که جمهوری اسلامی به حزب الله کمک میکند اسرائیل هم باید بما کمک کند>.

با شکستن قبح کمک بیگانه به فعالیت های تجزیه طلبی که حزب دمکرات کردستان صریحا بدعت گذاران شده است همدستی و وابستگی تجزیه طلبان استانها بسوی بیگانگانی چون اعراب ویا کشورهای پاکستان وانگلیس وروسیه وترکیه و اردن غیره کاملا مطلوب ومورد عمل همگانی میشود و کشورها هم برای ایجاد پایگاه به کمک وارتباط با آنها اشتیاق پیدا خواهند کرد و درست میشود ایران زمان احمد شاه قاجار.

◀ درالگوی هجری آمده است که <چون دولت مرکزی اجازه رفت و آمد پیشمرگان مسلح را دربین مردم نمیدهد ما وارد جنگ مسلحانه با دولت مرکزی شده ایم>.

این دقت بجاست که علت مخالفت حزب با دولت رعایت حقوق بشرویا حقوق ملی منطقه اعلام نشده تنها اجازه رفت و آمد های پیشمرگان کرد دربین مردم است. آیا چنین بهانه ای تاکنون ازهیچ جامعه ای شنیده اید ومیتوان به این خواست کردهای تجزیه طلب عنوان کار ومبارزه سیاسی داد.

این الگو، یعنی تقسیم قدرت و خود مختاری به ایالات کشور با حضور مسلحانه پیشمرگان در تمام شئون اجتماعی منطقه است و اگر دولت مرکزی به این امر غیر مانوسی که در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد تسلیم نشود باید منتظر جنگ مسلحانه باشد.

حال با این فرض حرکت کنید که این الگو که از همین حالا میخ آنرا کردهای تجزیه طلب وابسته به شورای تجزیه طلبان کوبیده است، در تمام استان های کشور به اجرا در آید که به زعم آنان باید هم در آید، زیرا اگر در یک قسمت از کشور حقوقی برای مردم آن قانونی شناخته شد باید آن حقوق به تمام قسمتهای کشور تسری یابد (قانون اساسی)، ایران چه وضعی داشت و این همان وضعی است که شما خواستار آنید.

◀ حسن شرفی معاون حزب دمکرات حرف روشنی زده است وی میگوید: >ما به هیچ توافقی عمل نخواهیم کرد.<

کاملاً معلوم است مردمی که مسلح به کلاشینکف باشند و حرفشان را با کلاشینکف پیش ببرند، نه به توافق نیاز دارند و نه به توافقی هم که شده باشد احترام میگذارند. جالب این است که عنوان و نام حزب مسلح به کلاشینکف هم دمکرات است.

◀ اعلام پیشاپیش حزب دمکرات کردستان، که از پایه های اساسی و سازنده شورای تجزیه طلبان است مبنی بر اینکه >آن حزب به هیچگونه توافقی پایبند نخواهد بود< مفهوم دیگری هم دارد که قطعنامه شورای تجزیه طلبان از نظر آن حزب، در باب مبارزه مسالمت آمیز را باید دم کوزه گذاشت.

مترادف مسئله مزبور این مورد هم بالطبع مطرح است که آیا جناح شورای تجزیه طلبان که مسلح به کلاشینکف و ایستادگی در مقابل جمهوری اسلامی است بر شورای تجزیه طلبان مسلط خواهد بود و یا جناح شورا که از قطره ای خون حالش بهم میخورد بر جناح کلاشینکف مسلط خواهد شد؟ پاسخ این پرسش را آقای امید مهر از نفرات شورای تجزیه طلبان در سالهای قبل داده که چگونه حزب دمکرات کردستان با صحنه سازیها مبنی بر اینکه حزب دارای ۵۰۰۰ نیروی مسلح تحت تعلیم است ماده ۱۱ را در قطعنامه گنجانده و دست آخر هم خودش حاضر به امضای قطعنامه نشد و بدین ترتیب شورای تجزیه طلبان وسیله و ابزاری است در اختیار تجزیه طلبان و بیشتر کرد های حزب دمکرات کردستان ایران برای تجزیه تمامی ایران و تابع قدرتی خواهد بود که حزب دمکرات کردستان دارد.

◀ اشاراتی که از باب همکاری شورای تجزیه طلبان با حزب دمکرات کردستان در این تحریر بعمل آمد ممکن است این تصور بوجود آید که مصطفی هجری مدافع رژیم سلطنت ایران است ولی خیر او یک هفته بعد از موافقت شوم گنجی و اعلیحضرت درباره خود مختاری کرد ها در مصاحبه با رادیو صدای آمریکا رسماً اعلام کرد که >ما تجربه بدی از رژیم سلطنتی ایران داریم و هیچگاه در طول سلطنت مشروطه نگفتند که ما از خود مختاری کردها حمایت میکنیم امروز فقط دو گروه اپوزیسیون ایرانند مجاهدین و حزب دمکرات کردستان< و در همان برنامه که در نهم جولای ۱۹۹۴ اجرا شد مصطفی هجری گفت: >عدم تمرکز زدانی و خود گردانی است آنها آنچنانکه در متن ضمیمه فارسی آمده است در برگیرنده خواست ما نیست و مورد تائید نماینده ما در واشنگتن قرار نگرفته است او گفت کردستان بین چند کشور تقسیم شده است.

خواننده محترم این تحریر متوجه هستند که <کردستان بین چند کشور تقسیم شده است> یعنی چه.

دستاوردهای این تحریر

تصویری که از اظهارات آقایان مصطفی هجری و شرفی کشیده میشود چیزی شبیه به واقعیت ایران در زمان احمد شاه است گرچه تاریخ از آن جریانات به نام ملوک الطوائفی نام برده است ولی در ماهیت و در رابطه با استقلال و تمامیت ارضی کشور همان فدرایتوشدن ایران است یعنی دورانی که ایران آنرا امتحان کرده است و بهمت رضاشاه کبیر ایران از آن گرفتاری عظیم خلاص شد و رضاشاه کبیر بود که به آن فضاحت ملی در طول ۹ سال پایان داد با سمینقو در کردستان سال ۱۳۰۱ - باشاهسونهای آذربایجان در سال ۱۳۰۲ - شورش ترکمن ها در سال ۱۳۰۲ - شورش طوائف لرستان در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ - شورش کردهای خراسان سال ۱۳۰۳ - سرکوب خزعل ۱۳۰۳ شورش های نظامی سلماس و مراوه تپه ۱۳۰۵ - اقدام نظامی برای سرکوبی سرکشی طوائف بلوچ و در سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ شورش عشایر جنوب و متعاقب این امر با تصویب قانون سجد و احوال همه اهالی ایلات از تابعیت ایلی در آمده و شناسنامه و دارای تابعیت ایرانی شدند.

برگشت کشورها از فدراتیو

اینکه تصور شود که چون کشور سوئیس سیستم فدراتیو را دارد پس کشورهای دیگر هم میتوانند داشته باشند یک اشتباه محض است کشور ایتالیا که همجوار سوئیس است به دنبال طرح تفویض قدرت و اختیارات به استانهای کشور رفت و اکنون ناچار شده است با توسل به فراندنم اختیارات تفویض شده به استانها را به قدرت مرکزی بازگشت بدهد که با مقاومت مردم فلورانس روبرو و منجر به مقابله پلیس گردید لایحه پیشنهادی ماتو رنتسی نخست وزیر آن کشور قرار است روز چهاردهم دسامبر به همه پرسى گذاشته شود. نخست وزیر ایتالیا گفته است در صورت عدم موفقیت همه پرسى کناره گیری خواهد کرد زیرا نمیتوان کشور را با تقسیم قدرت بین استانها اداره کرد.

خطر بزرگ

اکنون زمان احمد شاه قاجار نیست زمان سازمان ملل متحد است که در کمال تاسف آن سازمان در سیطره قدرت بیگانگان مترصد است که هر کجای جهان صدای خود مختاری و استقلال طلبی بلند شود آنرا رسماً تائید کند و مردم کشورها دست بسته اسیر بر باد رفتن استقلال کشورشان بشوند، در بالکان دیدید آنقدر سریع یوگسلاوی تجزیه و به کشورهای کوچک عضو سازمان ملل تبدیل شد که مردمش هم اصلاً تصور نمیکردند.

جدول اعلام خطر

برای ملاحظه خطر تجزیه ایران که استقلال و تمامیت ارضی کشور ما را تهدید میکند جدولی ترسیم است که شاید بهتر دریادمان بماند:

مخالفان تجزیه کشور محق اصولی	تجزیه طلبان کشور ناحق و غیراصولی
چند ایرانی که نه در سطح بین المللی و داخل کشور محلی از اعتبار سیاسی ندارند	جمهوری اسلامی، مستند گزارش مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی که سند آن در تحریرات قبلی دیده میشود
	موافقت دولت روحانی مستند تحت تاثیر سیاست آمریکا و گزارش مرکز پژوهشها
	سیاست جهانی امریکا واسرائیل و تا اندازه ای روسیه وانگلیس مستند اسناد سیاسی
	ستون پتجم خارجی در داخل کشور و بین اقلیت ها در حد وفور
برحق و اصولی یعنی وحدت و تمامیت ارضی خواستی برحق و ناشی از حقوق طبیعی ایرانیان است و تلاش در این راه	اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور بنام شورای تجزیه طلبان مستند ماده ۱۱ ناحق و غیراصولی یعنی تمام اقدامات پایگاه های تجزیه طلبی غیراصولی و نامشروع و خواست آنها بناحق و غیرقابل اعتبار است